

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۲۹-۱۶۰

## \* بررسی موانع توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان

ابوالقاسم شریف‌زاده، ابوالقاسم عربیون، مهنوش شریفی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۲

### چکیده

پژوهش کیفی حاضر با هدف شناسایی موانع توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان به انجام رسید. اطلاعات مورد نیاز، بر اساس دوازده پرسش محوری، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند با نمونه‌ای ۴۳ نفره از کارآفرینان و مدیران کسب و کارهای کشاورزی به دست آمد. با تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها، ۱۰۷ گویه‌نمای موانع توسعه کسب و کارهای کشاورزی استخراج شد. فهرست کامل گویه‌ها، با عنایت به قرابت مفهومی، در قالب پنج طبقه موضوعی بدین شرح گروه‌بندی شد: عوامل طبیعی، عوامل تولید، پیچیدگی ماهیت و فرایند توسعه کسب و کارهای کشاورزی، توسعه بازار کشاورزی، و بستر و فضای توسعه کسب و کارهای کشاورزی. مطابق یافته‌های تحقیق، موانع دارای بیشترین فراوانی عبارت‌اند از: بروز خطرات طبیعی؛ کیفیت پایین نهاده‌های موجود در بازار؛ زمان‌بر بودن رسیدن به مرحله سودآوری؛ نوسان سیاست‌های دولت در بازار کشاورزی در ارتباط با واردات، صادرات، قیمت‌گذاری، و تنظیم بازار؛ و شرایط دشوار کسب اعتبارات.

---

\* مقاله حاضر برگرفته از نتایج طرح تحقیقاتی «آسیب‌شناسی فضای حمایتی توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان» است، که بدین وسیله از شورای پژوهشی و فناوری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به خاطر تصویب و تأمین اعتبار این طرح سپاسگزار می‌شود.  
\*\* به ترتیب، استادیار دانشکده مدیریت کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان؛ نویسنده مسئول و استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران (arabiun@ut.ac.ir)؛ و دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران.

کلیدواژه‌ها: اشتغال روستایی/ توسعه کشاورزی/ کارآفرینی کشاورزی/ اشتغال روستاییان/ گلستان (استان).

\* \* \*

### مقدمه

کسب‌وکارهای جدید کشاورزی، به دلیل بهره‌مندی از مزیت‌هایی چون بهره‌برداری از منابع، ساختار مالکیت و مدیریت، پیوند با بازار، قدرت جذب دانش و فناوری پیشرفته، نوآوری و توسعه زنجیره‌های کشاورزی برای دستیابی به ارزش افزوده بالا، بستری مساعد برای توسعه کارآفرینی به شمار می‌روند (APO, 2003; Livingstone, 2000). زایش فزاینده این‌گونه نظام‌های کسب‌وکار کارآفرینانه، افزون بر ضرورت بخشیدن به بازاریابی در گونه‌شناسی متعارف نظام‌های تولید و بهره‌برداری در بخش کشاورزی به منظور شمول شایسته این نظام‌ها، با الزاماتی برای کارگزاران توسعه بخش کشاورزی برای ارائه خدمات حمایتی درخور شرایط چنین نظام‌هایی همراه بوده است.

کارآفرینان کشاورزی به فعالیت‌هایی مانند پرورش گل، باغبانی، پرورش گیاهان دارویی، کشت محصولات زراعی نقدی، مرغداری، آبی‌پروری، دامداری، فرآوری محصولات لبنی، صنایع غذایی، و سایر صنایع مرتبط با کشاورزی می‌پردازند؛ و برای دستیابی به بازده و سود بیشتر، از روش‌های نوین تولید، تسهیلات آبیاری، کود و مواد و فنون کنترل آفات و امراض، ارقام به‌نژادی‌شده پربازده، خطوط فرآوری مکانیزه، نظام‌های مدیریتی جدید، و تمهیداتی از این دست بهره می‌برند (Mohanty, 2006: 25). از این نگاه، کشاورزی عرصه یا بستری برای کارآفرینی در نظر گرفته شده، توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی نیز تجلی رفتار کارآفرینانه در این بخش محسوب می‌شود.

کسب‌وکارهای کشاورزی تجلی واحدهای تجاری کشاورزی<sup>(۱)</sup> است که حلقه‌های متعدد زنجیره کشاورزی شامل تولید، فرآوری منتهی به ارزش افزوده، بسته‌بندی، توزیع، و بازاریابی را به یکدیگر مرتبط می‌سازند و نسبت به نظام‌های بهره‌برداری متعارف کشاورزی، رویکردی مخاطره‌گرا، تجاری، بازاری و سودگرا دارند؛ و همچنین، مدیریت آنها نیازمند دانش و مهارت تخصصی و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید برای

کسب ارزش افزوده، ارتقای مستمر بهره‌وری، و بهبود کیفیت محصولات و خدمات عرضه‌شده به بازار است (APO, 2003: 1). از آنجا که شکل‌گیری و رشد این واحدهای بنگاه‌گونه مستلزم ورود، همگرایی، رقابت و در هنگام لزوم، خروج آنها از عرصه کسب‌وکار و بازار است، چنین روندی با فرایند کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار نیز همسویی دارد.

توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی در مناطق مختلف، بر پایه شناخت توان‌های هر منطقه، راهبردی مناسب برای توسعه بخش کشاورزی است. استان گلستان دارای ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی چشمگیر برای توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی و در نتیجه، اشتغال‌زایی و به‌ویژه ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان کشاورزی، و نیز تولید بهره‌ورانه محصولات کشاورزی برای تأمین نیازهای بازار مصرف چه در سطح استان و چه در سطح ملی است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸). به گواه تحقیقات پیشین، هر گونه سیاست‌گذاری و اقدام مقتضی برای تسهیل و حمایت از توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی نیازمند شناسایی موانع پیش روی فعالان حوزه کسب‌وکار در بخش کشاورزی است. پژوهش حاضر نیز در همین راستا و با هدف شناسایی موانع پیش روی توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی در استان گلستان به انجام رسیده است.

### مروری بر پیشینه پژوهش

پژوهشگران مختلف کوشیده‌اند تا ابعاد گوناگون توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی و موانع پیش روی آن را شناسایی و معرفی کنند. باتملي (۱۳۸۲: ۱۸۵-۲۰۴)، با تأکید بر نقش کسب‌وکارهای کشاورز-محور<sup>(۲)</sup> در توسعه کشاورزی و بررسی موضوعات اعتبارات، عرضه و بازاریابی در این‌گونه کسب‌وکارها، دو دسته عمده محدودیت‌های عقیدتی (اهداف اقتصادی و اجتماعی، کنترل اعضا، اهداف سیاسی، کنترل دولتی، و محدودیت‌های خودیاری) و سازمانی (انتظارات، ساختار، سرمایه، و مدیریت) را برای آنها برشمرده است.

ناینگ‌گولان (Nainggolan, 2003: 5)، با برشمردن چالش‌های کیفیت، بهره‌وری بهینه از منابع محدود، ارزش‌زایی، رقابت و داد و ستد در بستر آزادسازی بازار و جهانی شدن، نوآوری و تنوع‌بخشی برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای جدید (مشتری‌گرایی و بازارگرایی) برای رشد کشاورزی تجاری، مواردی شامل موانع تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی، دسترسی محدود به اعتبارات، نرخ مبادله متغیر و نوسان ارز، تورم، سیاست تجاری ضعیف، تعرفه‌ها و مالیات واردات و صادرات، ساختار اداری نامناسب، هزینه‌های بالای حمل و نقل و شبکه ناکارآمد توزیع، کیفیت پایین و عرضه نامناسب مواد خام، ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای، و نبود مدیران حرفه‌ای را از جمله مسائل و مشکلات توسعه کسب‌وکارهای تجاری کشاورزی<sup>(۳)</sup> عنوان کرده است. در همین زمینه، گیلن و همکاران (Gielen et al., 2003: 103) بدین نتیجه رسیده‌اند که در یک محیط کسب‌وکار با سطح فناوری پیشرفته، همانند بخش کشاورزی هلند، ظرفیت نوآوری و یادگیری کارآفرینان کشاورزی ضرورتی اساسی برای پایداری کسب‌وکارهای دایر شده به‌شمار می‌رود. بر اساس نتایج این پژوهش، نوآوری از طریق فرایندهای یادگیری غیررسمی و تعاملی (در زمینه فناوری، سیاست‌های کشاورزی، روند مصرف محصولات کشاورزی، توسعه منابع انسانی، و تحولات اجتماعی در گستره عمومی)، گروه‌های کاری و تسهیم دانش در قالب شبکه‌های اجتماعی متشکل از کارآفرینان و هم‌قطاران آنها، مشاوران و متخصصان، مراکز تحقیق و ترویج و آموزش کشاورزی، شرکت‌های عرضه‌کننده نهاده‌ها و خدمات کشاورزی، مصرف‌کنندگان، و خریداران جریان پیدا می‌کند. تبحر کارآفرینان و دارندگان کسب‌وکارهای کشاورزی برای یادگیری و نوآوری تعاملی در شرایط عدم قطعیت ایجاب می‌کند که آنها به‌طور پیوسته با برقراری توازن بین ثبات و انعطاف‌پذیری، به شناسایی و انتخاب انگیزه‌ها و فرصت‌های جدید در محیط پیرامون بپردازند و آنها را با ظرفیت‌ها و روندهای جاری تلفیق کنند. ون دن بن (van den Ban, 2002: 101 and 104)، در بررسی راهکارهای افزایش توانایی کشاورزان برای رقابت در بازار که معطوف به دو رویکرد افزایش بهره‌وری و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی است، در زمینه آموزش کارآفرینی به کشاورزان

برای بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در پیرامون آنها، به تأکید بر چالشی مبني بر یافتن آموزشگران برخوردار از اندیشه و تبحر کارآفرینی و مهارت در اطلاع‌یابی و کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در شناسایی فرصت‌ها پرداخته و یادآور شده است که محیط دیوان‌سالار حاکم بر بیشتر سازمان‌های ترویجی چندان برای جذب و فعالیت چنین افرادی مساعد نیست. از این‌رو، رویکرد کارآفرینی سازمان‌های ترویجی نیازمند بازآموزی کارگزاران ترویج در زمینه صلاحیت‌های مرتبط با کارآفرینی و آموزش کارآفرینی و شکل‌دهی فضای کارآفرینی درون‌سازمانی در تشکیلات ترویجی است. لواندر (Levander, 1999: 17 and 27)، در بررسی روند شکل‌گیری دانش کارآفرینان در حوزه باغبانی در فنلاند، چنین نتیجه‌گیری کرده است که یادگیری تجربی و تعاملات کارآفرینان در سطح محلی در قالب گروه‌ها و شبکه‌ها برای یادگیری متقابل و تبادل و کاربرد آموخته‌های تجربی دارای نقشی مهم در شکل‌دهی به دانش آنهاست. بر این اساس، کارآفرینان باید همواره به پرسشگری، پژوهشگری و تجربه‌اندوزی بپردازند؛ و در این راه، گذشته از نیاز به مشاوران همه‌چیزدان، به حمایت هدایتی افراد خبیره کاربلد در میان هم‌قطاران خود (مانند کارآفرینان مجرب و نمونه) نیز نیاز خواهند داشت.

پیسانی و پاتریک (Pisani and Patrick, 2002) بر این باورند که پایین بودن بهره‌وری و کارایی در کسب و کارهای کوچک از کیفیت پایین، عرضه نامطمئن، تجهیزات فرسوده و کهنه، کارکنان غیرماهر، اندازه کوچک واحدها، و دسترسی محدود به حمایت‌های مالی دولتی و غیردولتی ناشی می‌شود. مک‌الوی (McElwee, 2006) نیز مشکلات کسب و کارهای کوچک را دسترسی به سرمایه، مجراهای توزیع، و حمایت‌های مرسوم در کسب و کار دانسته است. همچنین، بر اساس رویکردی نظام‌مند، عوامل متعدد درونی و بیرونی همچون تخصیص مشترک منابع تولیدی، مدیریت مخاطره، برنامه‌ریزی تولید، قدرت ابتکار کشاورز، شرایط خانوادگی، شرایط زیست‌بوم کشاورزی (مانند خاک، آب، و اقلیم)، قیمت بازار، و ثبات سیاسی نیز بر موفقیت کسب و کارهای کشاورزی تأثیرگذارند (صیامی و پیکانی، ۱۳۸۷: ۸۱). مکان‌یابی مناسب،

مدیریت صحیح، احداث تأسیسات مناسب، انتخاب نوع محصول، مدیریت پس از برداشت، و تشکیل یک واحد تعاونی برای تأمین نهاده، بازاریابی، بسته‌بندی و حمل-ونقل از جمله عوامل مؤثر در موفقیت کسب‌وکارهای گلخانه‌ای به‌شمار می‌روند (شفیعی و پورجوپاری، ۱۳۸۵: ۲۴ و ۳۲).

تحلیل عوامل بازدارنده توسعه کشت‌های گلخانه‌ای در استان اصفهان به شناسایی چهار دسته عوامل بازدارنده انجامیده است، که عبارت‌اند از: عوامل اعتباری (نداشتن آورده یا سرمایه شخصی، نداشتن وثیقه مورد نیاز، عدم پرداخت اعتبارات بانکی، بالا بودن نرخ بهره، کوتاه بودن زمان تنفس، و کم بودن دوره بازپرداخت)، عوامل زیرساختی (محدودیت ظرفیت شرکت‌های مجری سازه، مشکل دسترسی به شبکه توزیع مطمئن برق و گاز، کمبود آزمایشگاه‌های مجهز، عدم دسترسی به جاده، و مشکل تأمین سوخت)، عوامل قانونی (بالا بودن نرخ ارز، قوانین مربوط به قرنطینه وارداتی گیاهان، و مقررات و عوارض گمرکی)، و عوامل اقتصادی (تورم، افزایش هزینه‌ها، و کاهش قیمت محصولات تولیدی) (اسدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۴). در همین زمینه، نتایج مطالعه مرادزادی و همکاران (۱۳۸۶) نشان داده است که عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران به سیاست‌گذاری، شرایط اقتصادی، پشتیبانی، خدمات آموزشی-ترویجی، زیرساختی، و فرهنگی مربوط می‌شود.

شریفزاده و همکاران (۱۳۸۸: ۱۰۳)، در پژوهشی کیفی، به ترسیم نظام توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی کشاورزی پرداخته‌اند؛ مؤلفه‌های این نظام عبارت‌اند از: کارآفرینان و کسب‌وکارهای کشاورزی، سرمایه‌گذاری و گردش اعتبارات، توان‌های ارزش افزوده، مزیت‌های نسبی و فرصت‌های کارآفرینی، زیرساخت‌ها، منابع تولید و ظرفیت‌های زنجیره‌های کشاورزی، ترویج و آموزش کارآفرینی، خدمات حمایتی، بازار، قوانین و مقررات، سیاست‌های دولت، شبکه‌ها، جریان‌های دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی، و دستاوردها و پیامدهای کارآفرینی کشاورزی. پژوهشگران تصریح کرده‌اند که این مؤلفه‌ها در تعامل با یکدیگرند و به‌صورت یکپارچه، از محیط کلان پیرامونی تأثیر می‌پذیرند.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر، جزو تحقیقات کیفی است و با رویکردی آسیب شناسانه<sup>(۴)</sup> (شناسایی موانع پیش روی توسعه کسب و کارهای کشاورزی) به انجام رسیده است. در پژوهش حاضر، برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختارمند<sup>(۵)</sup> استفاده شده و جامعه آماری نیز از دارندگان واحدهای کسب و کار کشاورزی در استان گلستان تشکیل شده است. بر این اساس، تلاش شد تا نمونه‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که حیطه‌های مختلف کسب و کار را به طور متناسب پوشش دهند. فنون به کار گرفته شده در انجام مصاحبه‌ها عبارت‌اند از نمونه‌گیری هدفمند ترکیبی موارد نوعی و بارز<sup>(۶)</sup> (مصاحبه با آن دسته از مدیران و صاحبان کسب و کارهای کشاورزی که باتجربه و شناخته شده‌اند و از آمادگی لازم برای ارائه اطلاعات مورد نیاز برخوردارند)، گلوله برفی<sup>(۷)</sup> (مصاحبه با افراد معرفی شده از سوی سایر نمونه‌ها)، و روش فرصت‌مداری<sup>(۸)</sup> (مصاحبه با نمونه‌های در دسترس). اندازه نمونه و فرایند گردآوری اطلاعات (انجام مصاحبه) تا رسیدن به سطح اشباع نظری<sup>(۹)</sup> یا آستانه سودمندی اطلاعات ارائه شده<sup>(۱۰)</sup> ادامه یافته و بدین ترتیب، مصاحبه با ۴۳ نمونه (n=۴۳) صورت گرفته است.

برای هدایت نظام یافته مصاحبه‌ها، پروتکل مصاحبه‌گری (شامل دوازده پرسش محوری) تدوین شده و مورد استفاده قرار گرفته است؛ بدین صورت که پس از تدوین پروتکل و وصول آمادگی مصاحبه‌شونده‌ها طبق برنامه زمان‌بندی شده، از طریق گفت‌وگو پیرامون پرسش‌های محوری (به‌جای پرسش و پاسخ متداول)، ثبت شنیداری و نوشتاری مصاحبه‌ها در قالب پروتکل مصاحبه انجام پذیرفت. پس از گردآوری فرم‌های تکمیل شده و پیاده‌سازی متن شنیداری مصاحبه‌ها، از تحلیل محتوا برای تحلیل و پردازش پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان استفاده شده و کدگذاری نیز به شیوه مرسوم در روش تحقیق کیفی، از طریق نظریه‌پردازی زمینه‌زا یا همان نظریه بنیانی<sup>(۱۱)</sup> صورت گرفته است (فلیک، ۱۳۸۷؛ Strauss, 1987). روی هم رفته، روند تحلیل بدین شرح بوده است: ۱- مرور یکپارچه مصاحبه‌ها و کدگذاری متن به دو صورت: الف) کدگذاری مستقیم یا استخراج کدهای نمایا از پاسخ مصاحبه‌شوندگان (کدگذاری باز<sup>(۱۲)</sup>)، و یا ب)

کدگذاری غیرمستقیم یا واگویه گفته‌های مصاحبه‌شوندگان به صورت کدهای نمایا (کدگذاری تفسیری<sup>(۱۳)</sup>) و تدوین گویه‌ها؛ ۲- دسته‌بندی گویه‌ها بر اساس قرابت نظری / مفهومی<sup>(۱۴)</sup> و ساخت طبقات مفهومی؛ ۳- توصیف گویه‌ها، شامل فراوانی و درصد هر گویه؛ ۴- استخراج کدهای محوری نمایا به منظور تدوین گزاره؛ و ۵- تشکیل ساختار ماتریسی اطلاعات و ارائه یکپارچه یافته‌ها، که در ادامه آمده است.

### یافته‌ها

در اینجا، بر اساس روند تحلیل، ساختار یکپارچه یافته‌ها در قالب چهار جدول (جدول ۱ تا ۴) آمده که هر کدام به یک طبقه موضوعی<sup>(۱۵)</sup> اختصاص یافته است. در مورد برخی از گویه‌ها، برای شفاف‌سازی برداشت مورد نظر، برخی مصادیق مطرح شده به صورت کدهای تشریح‌کننده یا شاهد<sup>(۱۶)</sup> در داخل پراتز قرار گرفته‌اند. همچنین، برای هر طبقه موضوعی، مجموعه‌ای از کدهای نمایا آورده شده که بازتاب و نشانگر مضمون و ماهیت گویه‌های مطرح شده در آن طبقه است. در مورد هر طبقه نیز بر حسب فراوانی، به اولویت‌بندی اقدام شده که بر این اساس، الویت گویه‌های دارای فراوانی یکسان مشابه است.

در جدول ۱، شش مورد از موانع مربوط به دشواری کنترل عوامل طبیعی دخیل در توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی مطرح شده که سه مورد نخست شامل بروز خطرات طبیعی، تعدد و نوسان عوامل محیطی تاثیرگذار بر تولید محصولات، و فصلی بودن تولید برخی محصولات دارای بیشترین فراوانی است. در جدول ۲، موانع مربوط به تأمین و کاربست بهینه عوامل تولید ارائه شده که از آن میان، کیفیت پایین نهاده‌های موجود در بازار، عدم عرضه همه نهاده‌های مورد نیاز در بازارهای استان یا بازارهای داخلی، دستمزد بالای کارگر و نیروی انسانی، مشکل دسترسی به موقع به برخی نهاده‌ها، دشواری تأمین منابع طبیعی تولید، و هزینه‌بر بودن نصب تأسیسات و نگهداری آن دارای بیشترین فراوانی است.



جدول ۱- موانع مربوط به عوامل طبیعی دخیل در توسعه کسب و کارهای کشاورزی

ردیف	موانع شناسایی شده	تعداد	درصد	کدهای محوری انتخابی نمایا (۱۷)
۱	بروز خطرات طبیعی (مانند سرمازدگی و یخبندان، خشکسالی، شیوع آفات و امراض و بیماری‌ها، طوفان و باد، و تغییر رطوبت)	۲۷	۶۲/۷۹	شرایط اقلیمی، مزیت‌های طبیعی تولید، کنترل عوامل محیطی متعدد، خطرات طبیعی، فصلی بودن تولید، افت کیفیت منابع طبیعی، هزینه‌بری احیا و آبادانی مکان کسب و کار در مناطق حاشیه‌ای
۲	تعدد و نوسان عوامل محیطی تأثیرگذار بر تولید محصولات (مانند کیفیت آب و خاک، رطوبت، تهویه، دما، نور، و آفات و بیماری‌ها)	۲۴	۵۵/۸۱	
۳	فصلی بودن تولید برخی محصولات (امکان تأمین نهاده‌ها یا تولید و فرآوری محصول در زمانی خاص از سال و یا محدود بودن زمان مناسب برای تولید به دلیل محدودیت تقاضا)	۱۹	۴۴/۱۹	
۴	واگذاری اراضی حاشیه‌ای به متقاضیان راه‌اندازی کسب و کارهای کشاورزی به دلیل تملیک و بهره‌برداری منابع طبیعی با کیفیت در قالب ساختار سنتی نظام تولید کشاورزی	۴	۹/۳	
۵	هزینه بالای آبادسازی و قابل بهره‌برداری شدن مناطق حاشیه‌ای برای کسب و کار (مانند هزینه تسطیح، کانال‌کشی، و ایجاد شبکه آبیاری)	۴	۹/۳	
۶	افت کیفیت منابع طبیعی به مرور زمان (مانند شور شدن آب و خاک، و کاهش حاصل‌خیزی)	۲	۴/۶	

منبع: یافته‌های پژوهش

## جدول ۲- موانع مربوط به عوامل تولید در کسب و کارهای کشاورزی

ردیف	موانع شناسایی شده	تعداد	درصد	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱	کیفیت پایین نهاده‌های موجود در بازار	۳۳	۷۶/۷	مشکل دسترسی بهنگام به نهاده‌ها، دوری جغرافیایی، تعدد نهاده‌ها،
۲	دستمزد بالای کارگر و نیروی انسانی	۳۲	۷۴/۴	دشواری تأمین منابع طبیعی تولید، تجهیزات و تأسیسات، کارگر متخصص، زیرساخت‌ها و نقدینگی
۳	عدم عرضه همه نهاده‌های مورد نیاز در بازارهای استان یا بازارهای داخلی	۳۲	۷۴/۴	مورد نیاز، کیفیت پایین نهاده‌ها، هزینه‌بری کارگر، نصب و نگهداری
۴	مشکل دسترسی به موقع به برخی نهاده‌ها (مانند سوخت، کود، آفت‌کش، و هورمون‌ها)	۳۱	۷۲/۱	تجهیزات، سوخت و مالیات، هزینه‌های عملیاتی بالا، ضایعات و تلفات نسبتاً بالا، فرسایش تأسیسات
۵	دشواری تأمین منابع طبیعی تولید (مانند آب و زمین)	۳۰	۶۹/۸	
۶	هزینه‌بر بودن نصب و نگهداری تأسیسات	۳۰	۶۹/۸	
۷	دشواری تأمین نقدینگی و نیازمندی به سرمایه جاری یا در گردش بالا	۲۷	۶۲/۸	
۸	دشواری تأمین تجهیزات و خدمات فنی استاندارد در سطح استان	۲۷	۶۲/۸	
۹	مشکلات جغرافیایی کسب و کارهای کشاورزی (دوری از مراکز بازار و مراکز عرضه نهاده‌ها و زیرساخت‌ها و خدمات حمایتی)	۲۶	۶۰/۵	
۱۰	دشواری دسترسی به کارگر متخصص در سطح منطقه	۲۵	۵۸/۱	
۱۱	بالا بودن عوارض و مالیات متعدد پرداختی به دستگاه‌های ذی ربط	۲۴	۵۵/۸	
۱۲	ضایعات و تلفات نسبتاً بالای محصولات و نهاده‌ها	۲۱	۴۸/۸	

ردیف	موانع شناسایی شده	رتبه اول	رتبه دوم	رتبه سوم	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱۳	هزینه بالای حامل های انرژی مورد استفاده و تعرفه های مربوط	۲۰	۴۶/۵	۱۱	
۱۴	تعدد نهاده های مصرفی	۱۸	۴۱/۹	۱۲	
۱۵	دشواری تأمین آورده یا سرمایه شخصی در مرحله راه اندازی	۱۸	۴۱/۹	۱۲	
۱۶	فرسوده شدن تجهیزات و تأسیسات	۳	۷	۱۳	

منبع: یافته های پژوهش

گرچه در کسب و کارهای جدید کشاورزی، به نسبت نظام های متعارف بهره برداری و تولید کشاورزی، سیاست کنترل عوامل طبیعی متغیر تأثیرگذار (مانند گلخانه ها، کارگاه های صنعتی و تولیدی مکانیزه، و دامداری های صنعتی) بیشتر دنبال می شود، اما کنترل همه این عوامل هم مقدور نیست و هم هزینه بر است؛ و در عین حال، از آنجا که بیشتر کسب و کارهای کشاورزی دارای ماهیت نظام های زنده و اجتماعی<sup>(۱۸)</sup> است، بهره وری این گونه کسب و کارها در گرو تعامل بهینه با محیط طبیعی پیرامون آنهاست. برای نمونه، می توان به تأثیر عوامل اقلیمی از قبیل شدت و میزان نور خورشید، سرما و گرما، اختلاف دمای شب و روز، و تعداد روزهای ابری بر بهبود عملکرد و در نتیجه، سودآوری محصولات گلخانه ای اشاره کرد (Goggos and King, 2000; Ehret et al., 1989; Cockshull et al., 1992). به هر حال، با توجه به ماهیت موضوعی این موانع و نیز نتایج تحقیقات پیشین (اسدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ مرادنژادی و همکاران، ۱۳۸۶)، می توان یادآور شد که دسترسی متقاضیان یا دارندگان کسب و کارهای کشاورزی به جریان مطمن، بهنگام، باکیفیت و مقرون به صرفه از نهاده های مورد نیاز شرط اساسی برای توسعه پایدار کسب و کارهای کشاورزی است.

در جدول ۳، فهرستی از موانع مربوط به پیچیدگی ماهیت و دشواری فرایند توسعه کسب و کارهای کشاورزی ارائه شده است. در این میان، زمان بر بودن رسیدن به مرحله

سودآوری، تعدد فعالیت‌های کسب‌وکارهای کشاورزی و دشواری هماهنگی، کاربر بودن بیشتر امور، پیچیدگی فزاینده فناوری تولید، طولانی بودن نسبی مدت‌زمان شروع تا رسیدن به تولید و عرضه محصول، و مخاطره‌پذیری بالای کسب‌وکارهای کشاورزی از بیشترین فراوانی برخوردارند. چنان‌که که از عنوان این طبقه موضوعی و مسائل و مشکلات قرار گرفته در ذیل آن برمی‌آید، در واقع، این دسته از مشکلات و مسائل از ماهیت پیچیده کسب‌وکارهای کشاورزی و تعدد و تغییر مؤلفه‌های شاکله و عوامل تأثیرگذار (تعامل با محیط پیرامونی) آنها ناشی می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر نیز برخی محققان (Smith and Cao, 2007; Audretsch and Keilbach, 2007; Cuervo, 2005) تأکید داشته‌اند، همه کنشگران و ذی‌نفعان، اعم از متقاضیان راه‌اندازی کسب‌وکار، صاحبان، مدیران، سیاست‌گذاران و حامیان توسعه کسب‌وکار به رویکردی نظام‌مند برای درک عناصر متعدد تشکیل‌دهنده کسب‌وکارهای کشاورزی و نیز به شرایط و تحولات تأثیرگذار محیط پیرامونی و پیوندهای درونی و بیرونی آنها نیاز دارند، که خود مستلزم بهره‌گیری از رویکردی نظام‌مند در طراحی، مدیزیت و کنترل کسب‌وکار و همچنین، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه و ترویج کسب‌وکارهای کشاورزی با توجه به ملاحظات موقعیتی بخش کشاورزی و شرایط خاص محلی (Damianos and Skuras, 1996) توأم با در نظر گرفتن واحدهای کسب‌وکار به‌مثابه یک نظام و توسعه کسب‌وکار به‌مثابه یک فرایند پیوسته و پویاست (Rouse, 2005).

جدول ۳- موانع مربوط به پیچیدگی ماهیت و فرایند توسعه کسب و کارهای کشاورزی

ردیف	موانع شناسایی شده	نمره	درصد	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱	مخاطره پذیری بالای کسب و کارهای کشاورزی	۳۴	۷۹/۱	<p>ضرورت برخورداری از تجربه و انگیزه پیشرفت و خلاقیت و توان مدیریت، زمان بر بودن سودآوری، دشواری سرمایه گذاری شراکتی، مخاطره پذیری بالا، تعدد فعالیت ها و پیچیدگی فناوری تولید، دشواری نگهداری محصولات، لزوم فعالیت میدانی و نظارت مستقیم تمام وقت، پایین بودن قدرت چانه زنی در برابر رقبای بزرگ، اشباع ظرفیت های کسب و کار در نتیجه کارآفرینی تقلیدی، هزینه بری آشناسازی نیروی کار، عدم ماندگاری نیروی کار، کسب و کار به شیوه آزمون و خطا، نداشتن تخصص کسب و کار، پایین بودن سطح بهره وری و فناوری</p>
۲	تعدد فعالیت های کسب و کارهای کشاورزی و دشواری هماهنگی	۲۹	۶۷/۴	
۳	کاربر بودن بیشتر امور	۲۸	۶۵/۱	
۴	پیچیدگی فزاینده فناوری تولید	۲۷	۶۲/۸	
۵	طولانی بودن نسبی مدت- زمان شروع تا رسیدن به تولید و عرضه محصول	۲۱	۴۸/۸	
۶	زمان بر بودن رسیدن به مرحله سودآوری	۲۰	۴۶/۵	
۷	دشواری کار شراکتی و ماندگاری آن به دلیل فردگرایی و تضاد منافع	۱۸	۴۱/۹	
۸	امکان شکست در سال های اول به دلیل کم تجربگی و مشکلات پیش بینی نشده	۱۷	۳۹/۵	
۹	لزوم درگیری و نظارت مستقیم تمام وقت مالک و مدیر کسب و کار بر همه امور	۱۵	۳۴/۹	
۱۰	دشواری نگهداری محصولات فسادپذیری	۱۵	۳۴/۹	
۱۱	اشباع شدن انگیزه های فردی (مالی) و عدم توسعه کسب و کارهای راه اندازی- شده (به دلیل پاره وقت بودن اشتغال، پیر بودن صاحبان کسب و کار، عدم سودآوری، عدم نوآوری، انفعال شراکت، و...)	۱۴	۳۲/۵	

ردیف	موانع شناسایی شده	رقابت	تاریخ	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱۲	زمان بر و هزینه بر بودن تجربه اندوزی و آشنایی کارگران با وظایف مربوط	۱۲	۲۷/۹	۱۱
۱۳	وابستگی بالای موفقیت کسب و کار به اخلاقیت و توان مدیریتی صاحب کسب و کار	۱۲	۲۷/۹	۱۱
۱۴	ضرر و زیان ناشی از شیوع آفات و بیماریها	۱۱	۲۵/۶	۱۲
۱۵	دشواری رقابت با شرکت های بزرگ تولیدکننده محصولات کشاورزی در سطح منطقه	۱۱	۲۵/۶	۱۲
۱۶	ترك کارگران پس از کسب تجربه	۹	۲۰/۹	۱۳
۱۷	سستی بودن روش ها و تجهیزات مورد استفاده در برخی واحدها	۹	۲۰/۹	۱۳
۱۸	راه اندازی کسب و کار در برخی عرصه ها و مناطق بیش از حد ظرفیت موجود (روی آوردن توده ای به يك کسب و کار به صورت تقلیدی)	۸	۱۸/۶	۱۴
۱۹	عدم بهره وری بهینه و بهره برداری کامل از ظرفیت های موجود در برخی واحدها	۸	۱۸/۶	۱۴
۲۰	ورود افراد غیر متخصص به برخی عرصه های کسب و کار (عدم برخورداری بیشتر دارندگان کسب و کار از دانش تخصصی و اتکای آنها به آزمون و خطا)	۷	۱۶/۳	۱۵

ردیف	موانع شناسایی شده	تعداد	درصد	کدهای محوری انتخابی نمایا
۲۱	عدم آشنایی صاحبان کسب و کار با روش‌ها و فنون جدید کسب و کار	۶	۱۴	۱۶
۲۲	دشواری نوشتن طرح توجیهی و دیگر کارهای اداری مربوط	۲	۴/۶	۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۴، فهرستی از موانع مربوط به توسعه بازار کشاورزی آمده است. از میان ۲۳ مورد مطرح شده، نوسان سیاست‌های دولت در بازار کشاورزی (واردات، صادرات، قیمت‌گذاری و تنظیم بازار)، پایین بودن نسبی قیمت محصولات نسبت به هزینه‌ها، ضعف شبکه توزیع محصولات در سطح منطقه و کشور، گرانی فزاینده نهاده‌ها و تجهیزات مورد نیاز، عدم دسترسی به مراکز بازاریابی قوی در سطح منطقه، و هزینه بالای تولید نسبت به خدمات از بیشترین فراوانی برخوردارند. موارد مطرح شده در این طبقه موضوعی نشان‌دهنده اهمیت قابلیت و ظرفیت بازار یا توازن و سامان‌مندی عرضه و تقاضا (محصولات و نهاده‌ها) متناسب با ملزومات توسعه کسب و کارهای کشاورزی است. در تحقیقات متعدد پیشین (Carson et al., 2004; Gaisford et al., 2001; Lyson et al., 1995; Welsh, 2009؛ شریف‌زاده، ۱۳۸۸) نیز بر نقش بازار در توسعه کسب و کارهای کشاورزی تأکید شده و بازارگرایی به‌مثابه یکی از مشخصه‌های بارز و متمایز کسب و کارهای کشاورزی با نظام‌های بهره‌برداری و تولید کشاورزی سنتی معرفی شده است. تأمین به‌موقع نهاده‌های مورد نیاز به‌گونه‌ای قابل دسترس و با کیفیت مناسب، ارتقای رقابت میان تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان، وجود پیوندهای شبکه‌ای برای بازاریابی، توزیع و عرضه محصولات، منصفانه بودن معاملات، قابلیت خودتنظیمی و توازن عرضه و تقاضا، منطقی بودن هزینه‌های رسانی محصولات از تولیدکننده به مصرف‌کننده، نوسان‌ها و پویایی‌های منطقی و قابلیت پیش‌بینی سطوح عرضه و تقاضا، هم‌سویی مطلوب با جریان‌های نقدینگی و سرمایه، عرضه مطلوب، قاعده‌مندی، شفاف بودن

مناسبات و استقرار نهادهای تنظیم‌گر و سازوکارهای رسمی پایش و کنترل قانونی با شمول منافع فعالان مختلف، عدم مداخله‌گری خودسرانه و بی‌قاعده دولت، و مواردی از این دست از مشخصات عدم توسعه بازار کسب‌وکارهای کشاورزی به‌شمار می‌روند.

جدول ۴- موانع مربوط به بازار کشاورزی

ردیف	موانع شناسایی شده	رتبه اول	رتبه دوم	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱	نوسان سیاست‌های دولت در بازار کشاورزی (واردات، صادرات، قیمت‌گذاری و تنظیم بازار)	۲۹	۶۷/۴	۱
۲	پایین بودن نسبی قیمت محصولات نسبت به هزینه تمام‌شده	۲۸	۶۵/۱	۲
۳	ضعف شبکه توزیع محصولات در سطح منطقه و کشور	۲۶	۶۰/۵	۳
۴	گرانی فرایند نهاده‌ها و تجهیزات مورد نیاز	۲۵	۵۸/۱	۴
۵	دشواری و هزینه‌بر بودن بازرسانی به دلیل عدم دسترسی به مراکز بازاریابی قوی در سطح منطقه	۲۴	۵۵/۸	۵
۶	هزینه بالای تولید نسبت به خدمات	۲۲	۵۱/۲	۶
۷	نوسان شدید قیمت نهاده‌ها و محصولات	۱۹	۴۴/۲	۷
۸	نامناسب بودن پایانه‌های خرید محصولات در سطح منطقه	۱۹	۴۴/۲	۷
۹	عدم خرید تضمینی محصولات از سوی دولت (وزارت بازرگانی و جهاد کشاورزی)	۱۸	۴۱/۹	۸
۱۰	شفاف و قابل پیش‌بینی نبودن بازار	۱۵	۴۳/۹	۹
۱۱	در دسترس نبودن اطلاعات بازار داخلی	۱۵	۳۴/۹	۹



ردیف	موانع شناسایی شده	فراوانی	درصد	رتبه	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱۲	حاکمیت واسطه‌گران و دلالتان بر بازار	۱۵	۳۴/۹	۹	
۱۳	واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی	۱۵	۴۳/۹	۹	
۱۴	دشواری رقابت با محصولات بی‌کیفیت (به دلیل قدرت خرید پایین بسیاری از مصرف‌کنندگان)	۱۴	۳۲/۵	۱۰	
۱۵	ضعف نظام قیمت‌گذاری و کنترل قیمت محصولات	۹	۲۱	۱۱	
۱۶	عدم نظارت فراگیر بر بازار محصولات کشاورزی	۹	۲۱	۱۱	
۱۷	عدم برگزاری منظم نمایشگاه‌های تخصصی در سطح استان	۸	۱۸/۶	۱۲	
۱۸	عدم وضع و کنترل استانداردهای لازم برای کیفیت محصولات	۸	۱۸/۶	۱۲	
۱۹	عدم وضع و کنترل استانداردهای لازم برای کیفیت نهاده‌ها	۷	۱۶/۳	۱۳	
۲۰	نبود فرهنگ مصرف مناسب در مورد برخی محصولات	۶	۱۴	۱۴	
۲۱	دشواری صادرات محصولات و واردات نهاده‌ها (به دلیل نامناسب بودن قوانین و عوارض گمرکی، بالا بودن نرخ ارز، و...)	۵	۱۱/۷	۱۵	
۲۲	عدم آگاهی از اطلاعات بازارهای خارجی	۳	۷	۱۶	
۲۳	ناهماهنگی تحولات نهادی-بازاری داخلی و خارجی	۲	۴/۶	۱۷	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۵ آمده است، بیشترین موانع شناسایی شده برای توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی (چهل مورد) به بستر و فضای حمایتی آن مربوط می‌شود. البته، برخی از این موانع بیشتر به فضای حمایتی توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی و برخی دیگر به محیط کلان (اقتصادی، نهادی، اجتماعی، و فرهنگی) کسب‌وکار معطوف است. از میان این موارد، شرایط دشوار کسب اعتبارات (تأمین وثیقه و ضامن معتبر)، دشواری و هزینه‌بری حمل‌ونقل محصولات، بهره‌برایی وام‌های پرداختی، پایین بودن نسبی امنیت سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی، عدم تعهد دستگاه‌های مسئول به حمایت مناسب از متقاضیان، پوشش بیمه‌ای نامناسب (بیمه تمام خطر محصول و سازه، خدمات بیمه‌ای ارائه‌شده، شروط بیمه‌گذار و هزینه مربوط)، نوسان سیاست‌های حمایتی دولت، ناهماهنگی بین دستگاه‌ها، و طولانی و هزینه‌بر بودن مراحل اداری (مواردی چون رابطه‌مداری، فساد اداری، کاغذبازی، و درگیری‌های اداری در زمینه استعمال از ادارات مختلف و اخذ مجوزهای قانونی) از بیشترین فراوانی برخوردارند. چنین موانعی، هم‌سو با یافته‌های محققان دیگر (McIntyre, 1988; Epstein and Tillack, 2002; Clark, )، Wurdemann and van de Meerendonk, 1998; Walsh, 1991; 2009؛ مرادنژادی و همکاران، ۱۳۸۶؛ اسدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ شریفزاده و همکاران، ۱۳۸۸)، مبین ضرورت شناسایی حمایت‌های مورد نیاز از طریق نیازسنجی حمایتی و سامان‌دهی یک محیط توانمندساز برای کارآفرینی<sup>(۱۹)</sup> و توسعه کسب‌وکار در بخش کشاورزی است. این محیط حمایتی دارای ویژگی‌هایی است، که از آن جمله‌اند: رقابت‌پویا<sup>(۲۰)</sup>، دسترسی عادلانه به فرصت‌های فزاینده (غناي فرصت‌ها و فرصت‌زایی برای کارآفرینی)، دسترس‌پذیری نهاده‌ها و خدمات حمایتی، تدوین و اعمال سیاست‌های هدایت‌گر و تسهیل‌گر از سوی دولت، تدوین و اعمال قوانین و مقررات فراگیر از سوی نهادهای مسئول به‌صورت هماهنگ، پیوندهای شبکه‌ای، ثبات، انسجام و سلامت نهادی، مخاطره‌پذیری معتدل و قابل مدیریت، و تنوع زنجیره کارآفرینی از تولید (مزرعه و واحد تولیدی و خدماتی) تا بازار (مصرف).

جدول ۵- موانع مربوط به بستر و فضای توسعه کسب و کارهای کشاورزی

ردیف	موانع شناسایی شده	تعداد	درصد	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱	شرایط دشوار کسب اعتبارات (تأمین وثیقه و ضامن معتبر)	۳۱	۷۲/۱	دشواری تبلیغ محصولات و خدمات، دشواری و هزینه‌بری حمل و نقل، توسعه- نیافتگی زنجیره‌های نگهداری، فرآوری و بسته‌بندی، توسعه نیافتگی زیرساخت‌های عمومی، تعدد و ناهماهنگی و عدم حمایت متعهدانه ادارات مسئول، طولانی و هزینه‌بر بودن و عدم ثبات روند امور اداری، ویژه- خواری در فضای کسب و کار، نامناسب بودن نظام پرداخت اعتبارات بانکی به لحاظ شرایط نرخ بهره، میزان و مرحله‌بندی پرداخت و مدت تنفس، پوشش بیمه‌ای نامناسب، محدودیت دسترسی محلی به آموزش، مشاوره و اطلاعات مورد نیاز، عدم توسعه فرهنگ کارآفرینی و کسب و کار، پایین بودن حجم و نوسان حمایت‌های دولتی، عدم یکپارچگی در تدوین و اعمال قوانین و مقررات رسمی، پایین بودن میزان همکاری و اعتماد متقابل، ناهماهنگی و انسجام نیافتگی صنفی کسب و کارهای کشاورزی (ضعف سرمایه نهادی و اجتماعی)، پایین بودن ثبات اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری، بالا بودن نرخ تورم، دشواری تعاملات خارجی، غالب بودن کارآفرینی مبتنی بر تولید و عدم توسعه طولی زنجیره کسب و کار (کارآفرینی پس از تولید)
۲	دشواری، هزینه‌بر و زمان‌بر بودن حمل و نقل محصولات	۲۹	۶۷/۴	
۳	بهره بالایی وام‌های پرداختی	۲۷	۶۲/۸	
۴	پایین بودن نسبی امنیت سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی	۲۳	۵۳/۵	
۵	پوشش بیمه‌ای نامناسب (بیمه کارگران، بیمه تمام خطر محصول و سازه، خدمات بیمه‌ای ارائه شده، شروط بیمه‌گذار و هزینه مربوط)	۲۱	۴۸/۹	
۶	عدم تعهد دستگاه‌های مسئول به حمایت مناسب از متقاضیان	۲۱	۴۸/۸	
۷	ناهماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط	۲۰	۴۶/۵	
۸	شفاف نبودن و بی‌ثباتی روند امور اداری (از جمله رابطه‌مداری، فساد اداری، کاغذبازی و درگیری‌های اداری در استعلام از ادارات مختلف و اخذ مجوزهای قانونی) <sup>(۲۱)</sup>	۲۰	۴۶/۵	

ردیف	موانع شناسایی شده	شماره آرایه	درصد	اولویت	کدهای محوری انتخابی نمایا
۹	نوسان سیاست‌های حمایتی دولت	۲۰	۴۶/۵	۶	
۱۰	طولانی بودن مدت‌زمان درخواست تا پرداخت اعتبارات	۱۹	۴۴/۲	۷	
۱۱	طولانی و هزینه‌بر بودن روند امور اداری مربوط به راه‌اندازی کسب‌وکار و دریافت تسهیلات	۱۸	۴۱/۹	۸	
۱۲	پایین بودن حجم اعتبارات پرداختی	۱۸	۴۱/۹	۸	
۱۳	مشکلات صنفی و ضعف هماهنگی بین دارندگان کسب‌وکارهای کشاورزی به دلیل نبود یا کم‌اثری اتحادیه‌ها و اصناف مربوط	۱۸	۴۱/۹	۸	
۱۴	دشواری دسترسی به شرکت‌های فنی مهندسی فعال در سطح منطقه برای مواردی چون ساخت تأسیسات و نصب تجهیزات	۱۷	۳۹/۵	۹	
۱۵	مرحله‌بندی نامناسب پرداخت اعتبارات و دوره و فواصل بازپرداخت	۱۷	۳۹/۵	۹	
۱۶	تعدد ادارات و نهادهای مسئول	۱۷	۳۹/۵	۹	
۱۷	پایین بودن یارانه‌های پرداختی دولت	۱۶	۳۷/۲	۱۰	

ردیف	موانع شناسایی شده	شماره مقاله	تعداد صفحات	کدهای محوری انتخابی نمایا
۱۸	بالا بودن نرخ تورم	۱۶	۳۷/۲	۱۰
۱۹	مدت زمان کوتاه تنفس (مرحله بین بهره‌برداری و بازپرداخت)	۱۵	۳۴/۹	۱۱
۲۰	توسعه نیافتگی زیرساخت‌ها در بسیاری از مناطق مستعد استان (جاده، آب، برق، گاز، تلفن، سوخت)	۱۴	۳۲/۵	۱۲
۲۱	نبودن یک شبکه اطلاع‌رسانی کارآمد برای مواردی چون انتشار قابل دسترس اطلاعات فنی و بازار در سطح منطقه	۱۴	۳۲/۶	۱۲
۲۲	شیوع دلالتی و واسطه‌گری به‌جای تولید و کارآفرینی در سطح جامعه	۱۳	۳۰/۲	۱۳
۲۳	دشواری دسترسی به خدمات مشاوره کسب و کار (در زمینه امور حقوقی، بازار، فنی و مهندسی) در سطح استان	۱۲	۲۸	۱۴
۲۴	دشواری دسترسی به مؤسسات تحقیقاتی برای تأمین نیازهای پژوهشی (از جمله آزمایش خاک و آب، کنترل کیفیت، تولید ارقام مناسب منطقه، تحقیقات سازگاری، تلقیح مصنوعی و انتقال ژن، شناسایی، و کنترل آفات)	۱۱	۲۵/۶	۱۵

ردیف	موانع شناسایی شده	فراوانی	درصد	اولویت	کدهای محوری انتخابی نمایا
۲۵	دشواری دسترسی به آموزش‌های کاربردی و کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای در زمینه کسب‌وکار در سطح استان و شهرستان‌ها	۱۰	۲۳/۳	۱۶	
۲۶	نبود امکانات مناسب برای فرآوری محصولات در سطح استان	۱۰	۲۳/۳	۱۶	
۲۷	نبود امکانات مناسب برای بسته‌بندی محصولات در سطح استان	۹	۲۱	۱۷	
۲۸	رقابتي تر شدن فزاینده محیط کسب‌وکار	۹	۲۱	۱۷	
۲۹	دشواری دسترسی به تسهیلات لازم برای تبلیغات در سطح استان و کشور (به‌لحاظ هزینه، پوشش، و سایر موارد)	۸	۱۸/۶	۱۸	
۳۰	پایین بودن اعتماد بین فعالان کسب‌وکار	۷	۱۶/۳	۱۹	
۳۱	ضعف اخلاق کسب‌وکار و رواج برخی ناهنجاری‌ها در میان فعالان کسب‌وکار (از جمله بانديزي در سرمایه‌گذاری، معاملات و داد و ستدها، و کاهش تعمدی کیفیت محصولات)	۷	۱۶/۳	۱۹	
۳۲	عدم یکپارچگی قوانین حرفه‌ای مدون و قابل اجرا در زمینه توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی	۶	۱۴	۲۰	

ردیف	موانع شناسایی شده	فراوانی	درصد	اولویت	کدهای محوری انتخابی نمایا
۳۳	اعتماد اندک به افراد تازه کار (متقاضیان و تازه واردان) و عدم حمایت مطلوب از آنها	۵	۱۱/۷	۲۱	
۳۴	دشواری همکاری‌های فنی و سرمایه‌گذاری داخلی مشترک با شرکت‌های خارجی (به-دلیل وجود مواردی چون قوانین داخلی و تحریم‌ها)	۵	۱۱/۷	۲۱	
۳۵	تمرکز کسب و کارها بر تولید و عدم پرداختن به سایر عرصه‌ها (از جمله خدمات مهندسی و فنی، فرآوری، بازاریابی، و مشاوره) (۲۲)	۴	۹/۳	۲۲	
۳۶	عدم ثبت رسمی و قانونی بسیاری از فعالان کسب و کار کشاورزی به منظور کنترل و نظارت بر کار آنها	۳	۷	۲۳	
۳۷	عدم توسعه متمرکز زیرساخت و فضای کسب و کار در سطح استان (از جمله شهرک‌های صنعتی و مجتمع‌های گلخانه‌ای)	۳	۷	۲۳	
۳۸	نبود امکانات لازم برای انبارداری و نگهداری (مانند سردخانه‌ها و انبارهای مجهز)	۳	۷	۲۳	

ردیف	موانع شناسایی شده	شماره	تاریخ	کدهای محوری انتخابی نمایا
۳۹	محدود بودن کسب و کارهای نمونه و استاندارد الگویی در سطح استان	۲	۴/۶	۲۴
۴۰	بخل و حسادت و تنگ نظری های اطرافیان و عدم حمایت مؤثر آنها	۱	۲/۳	۲۵

منبع: یافته های پژوهش

### نتیجه گیری و پیشنهادها

توسعه کسب و کارهای کشاورزی با رویکرد کارآفرینی از ملزومات توسعه پایدار بخش کشاورزی به شمار می رود. در بخش کشاورزی، پیشبرد کارآفرینی در قالب توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه تبلور می یابد و به صورت یک جریان پیچیده، مستلزم شناسایی مسائل و مشکلات، نیازها و عوامل تأثیرگذار است تا بتوان با سیاست گذاری واقع گرایانه، به رفع موانع و دست اندازهای پیش روی این جریان و فراهم سازی یک محیط حمایتی برای فعالان حوزه کسب و کار کشاورزی اعم از متقاضیان، تازه واردان، مالکان، مدیران و حامیان پرداخت.

طبق نتایج پژوهش حاضر، می توان موانع توسعه کسب و کارهای کشاورزی را در پنج گروه دسته بندی کرد. دو گروه نخست، به ترتیب، نشان دهنده عوامل طبیعی دخیل و تأثیرگذار بر توسعه کسب و کارهای کشاورزی و تأمین و کاربست بهینه نهاده ها در کسب و کارهای کشاورزی است. پیچیدگی ماهیت و دشواری فرایند توسعه کسب و کارهای کشاورزی مضمون سومین گروه از موانع شناسایی شده برای توسعه کسب و کارهای کشاورزی است. گروه چهارم از موانع توسعه کسب و کارهای کشاورزی نشان دهنده نامناسب بودن بازار کشاورزی است. بیشترین موانع شناسایی شده در گروه پنجم را مساعد نبودن فضای توسعه کسب و کارهای کشاورزی تشکیل می دهد.



با توجه به موانع شناسایی شده، در راستای بسترسازی و فراهم سازی یک محیط حمایتی برای توسعه کسب و کارهای کشاورزی، می توان سازوکارهای زیر را پیشنهاد داد:

- با توجه به تعدد عوامل طبیعی و تولیدی مورد نیاز (طبقه موضوعی اول)، پیش از صدور پروانه تأسیس واحدهای کسب و کار کشاورزی، لازم است همه عوامل تأثیرگذار و جوانب کار از قبیل فراهم بودن زیرساخت ها یا امکان پذیری توسعه آن، مناسب بودن شرایط اقلیمی، وجود بازار، داشتن تخصص و توانایی لازم، برخورداری یا امکان استفاده از تجهیزات و فناوری مناسب، رعایت استانداردهای کیفیت و نظایر آن در چارچوب یک طرح کسب و کار تفصیلی<sup>(۲۳)</sup> به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد (مطالعه امکان پذیری و مکان یابی کسب و کار<sup>(۲۴)</sup>) و تنها در صورت تأمین سطحی قابل قبول از عوامل مورد نیاز، نسبت به صدور پروانه تأسیس و بهره برداری اقدام شود. در همین زمینه، لازم است به منظور شناسایی و پهنه بندی کالبدی ظرفیت های کارآفرینی کشاورزی<sup>(۲۵)</sup> (ترسیم جغرافیای کارآفرینی کشاورزی<sup>(۲۶)</sup>) در سطح استان، مطالعه ای جامع برای دستیابی به سند آمایش سرزمین در توسعه کسب و کارهای کشاورزی انجام شود، که خود مستلزم پیمایش و پایش مستمر و نظام یافته در راستای شناسایی مزیت های نسبی و فرصت های اشتغال زراعی و غیرزراعی، زمینه های کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی و نیز تدوین نظام یا بانک جامع اطلاعات کارآفرینی، اشتغال و کسب و کارهای کشاورزی در سطح استان است.
- با توجه به بالا بودن حجم و نیز مخاطره سرمایه گذاری در کسب و کارهای کشاورزی (طبقه موضوعی دوم)، پیشنهاد می شود که صندوق بیمه محصولات کشاورزی نسبت به بیمه تمام خطر سازه، تأسیسات و محصول تمام کسب و کارهای کشاورزی با شرایط مناسب اقدام کند.
- با توجه به یافته های تحقیق (طبقه موضوعی سوم)، لازم است که از طریق تقویت پایانه های خرید محصولات کشاورزی، تقویت شبکه های توزیع و بازاریابی

محصولات کشاورزی، برگزاری نمایشگاه‌ها، و تقویت تالار بورس محصولات کشاورزی در سطح استان، به توسعه بازار کشاورزی پرداخت.

• با توجه به ضعف خدمات آموزش کسب‌وکار در استان (طبقه موضوعی چهارم)، نکاتی چون پوشش کسب‌وکارهای کشاورزی در طرح مهندسان ناظر سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور، ارائه دوره‌های آموزش کسب‌وکار توسط سازمان فنی- حرفه‌ای استان و دیگر مراکز و مؤسسات آموزشی فعال، و نیز ارائه خدمات آموزشی ترویجی از سوی سازمان جهاد کشاورزی استان به کسب‌وکارهای دایر پیشنهاد می‌شود. در همین زمینه، نیازسنجی آموزشی- ترویجی در حوزه کسب‌وکارهای کشاورزی در سطح استان، به منظور تهیه و انتشار مطالب آموزشی و ترویجی مورد نیاز در قالب بسته‌های آموزشی با موضوع «مدیریت کسب‌وکارهای کشاورزی» با همکاری متخصصان و توزیع آن در میان متقاضیان و مدیران کسب‌وکارها، از نکات قابل توجه به‌شمار می‌رود. با راه‌اندازی رشته تحصیلی مدیریت کسب‌وکار کشاورزی و نیز ارائه واحدهای درسی با همین مضمون در مؤسسات آموزش عالی فعال در سطح استان، می‌توان به ارتقای سواد کسب‌وکار<sup>(۲۷)</sup> دانش‌آموختگان این استان بسیار یاری رساند.

• با توجه به ضعف هماهنگی و انسجام میان فعالان کسب‌وکار کشاورزی در استان (طبقه موضوعی پنجم)، لازم است سامان‌دهی و تقویت نهادهای میانجی، مانند انجمن کارآفرینان کشاورزی، صندوق حمایت از کارآفرینان کشاورزی، اتاق کسب‌وکارهای کشاورزی، اتحادیه‌های کسب‌وکارهای کشاورزی، و دیگر تشکل‌های صنفی و نیز پیونددهی آنها به مجامع نهادی ذی‌ربط در سطح کشور به- منظور رایزنی با دستگاه‌های مسئول، سامان‌دهی خدمات حمایتی، پایش، و دیگر مواردی از این دست در راستای تأمین منافع دارندگان کسب‌وکارهای کشاورزی مد نظر مسئولان قرار گیرد.

در پایان، با توجه به برخورداری استان گلستان از مزیت‌های نسبی به‌ویژه زیست‌بوم‌های کشاورزی غنی و متنوع، دسترسی به بازارهای استان‌های مجاور و تهران،

برخورداری از شبکه راه آهن سراسری، وجود نیروهای جوان و دانش آموخته کشاورزی، نیروی کار فراوان و سایر مزیت‌ها و فرصت‌های قابل ملاحظه، پیشنهاد می‌شود که توسعه کسب و کارهای کشاورزی به‌مثابه راهبرد توسعه استان در نظر گرفته شود؛ و بدین منظور، برای هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، لازم است سند راهبردی توسعه کسب و کارهای کشاورزی استان با بهره‌گیری از صاحب‌نظران امر و اطلاعات آمایشی ظرفیت‌های کارآفرینی در این بخش تدوین و به دستگاه‌های ذی‌ربط اعلام شود. در این زمینه، با توجه به تعدد دستگاه‌های ذی‌ربط و لزوم طراحی راهبردی مشترک، برگزاری یک همایش استانی با موضوع «فرصت‌ها و چشم‌اندازهای کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان» به‌منظور طرح دیدگاه‌ها، و رسیدن به اجماع نظر با حضور کارشناسان و مدیران دستگاه‌های اجرایی، پژوهشگران، و صاحبان کسب و کار کشاورزی و نیز تشکیل شورا یا کمیته راهبری توسعه کسب و کارهای کشاورزی از سوی استانداری یا سازمان جهاد کشاورزی استان با مأموریت سیاست‌گذاری حمایتی، هماهنگی میان دستگاه‌ها و پایش فضای کسب و کار کشاورزی در استان پیشنهاد می‌شود. یکپارچه‌سازی قوانین و مقررات و نیز شفاف‌سازی، تسریع و تسهیل امور اداری مربوط به توسعه کسب و کارهای کشاورزی از نخستین فعالیت‌های چنین ارگانی است، که البته مستلزم طراحی شبکه پشتیبانی کارآفرینی کشاورزی<sup>(۲۸)</sup> و تدوین نظام‌نامه توسعه کسب و کارهای کشاورزی در سطح استان خواهد بود. تعیین بانک‌های عامل و تسهیل شرایط پرداخت اعتبارات بانکی به متقاضیان (از لحاظ حجم اعتبارات، وثیقه و ضامن، نرخ بهره، و مرحله‌بندی بازپرداخت)، تسهیل اخذ مجوزهای اداری، شناسنامه‌دار شدن و ثبت رسمی همه واحدهای کسب و کار و جلوگیری از فعالیت واحدهای غیرمجاز، تدوین و اعمال استانداردهای کیفیت محصولات و خدمات مختلف، و تعیین مهندس ناظر تخصصی برای واحدهای کسب و کار (با همکاری سازمان نظام مهندسی) از مواردی است که باید در نظام‌نامه یادشده گنجانده شود. با توجه به عملکرد مطلوب دفاتر پلیس ۱۰ و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، با راه‌اندازی دفاتر خدمات کسب و کار کشاورزی، می‌توان نسبت به

یکپارچه‌سازی امور اداری مربوط و کاهش مسئولیت دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط اقدام کرد. نخست، می‌توان چنین الگویی را پس از طراحی به‌صورت آزمایشی در استان گلستان به اجرا گذاشت؛ و آنگاه پس از ارزیابی و در صورت موفقیت، آن را در سطح کشور گسترش داد. بی‌تردید، حمایت‌های هدفمند ارگان‌های دولتی ذی‌ربط، از طریق توسعه زیرساخت‌ها (مانند جاده، گازکشی، و خطوط برق و تلفن) در مناطق مستعد توسعه کسب‌وکار در سطح استان، کاهش عوارض (نظیر تعرفه‌های مصرف انرژی) و مالیات‌ها، و توسعه مجتمع‌های کسب‌وکار و شهرک‌های گلخانه‌ای، شامل کسب‌وکارهای الگویی<sup>(۲۹)</sup> امکان تحقق خواهد یافت. در این میان، شایسته است الویت‌های لازم برای دانش‌آموختگان کشاورزی، کسب‌وکارهای تعاونی (به‌دلیل مواردی چون بسیج منابع، تجمیع ظرفیت‌ها و ایجاد اشتغال، و مقتضیات اجرای سیاست‌های اصل ۴۴) و نیز برای متقاضیان کسب‌وکار در عرصه خدمات فنی و مهندسی، بازاریابی، فرآوری و بسته‌بندی - تنوع‌بخشی به کسب‌وکارها، توسعه خدمات حمایتی کسب‌وکار و ارتقای ارزش افزوده در بخش کشاورزی، کاهش فشار بر منابع تولید در اثر افزایش کسب‌وکارهای تولیدی، جلوگیری از اشباع ظرفیت‌های کسب‌وکار در برخی عرصه‌ها و در کل، تحقق آمایش سرزمین - در نظر گرفته شود.

### یادداشت‌ها

1. agribusiness
2. farmer-centered enterprises
3. agribusiness enterprises
4. diagnostic
5. semi-structured interview
6. typical cases
7. snow balling
8. opportunistic
9. theoretical saturation
10. usefulness threshold of submitted information
11. grounded theory
12. open coding
13. interpretive coding
14. theoretical/conceptual proximity
15. thematic category
16. evidence/illustrative codes
17. representative selective axial codes
18. agro-enterprises as social-biosystems
19. enabling entrepreneurial environment
20. dynamic competition

۲۱- چنین شرایطی ممکن است به ویژه خواری در راه اندازی و توسعه کسب و کار بینجامد. در این زمینه، می توان اصطلاح «کسب و کارهای رانتهی» (rentier enterprises) را برای بازتاب استفاده از رانت های سازمانی، نهادی، اطلاعاتی، اعتباراتی، سیاسی، و اداری در توسعه کسب و کار به کار برد. شکل گیری کسب و کارهای رانتهی بیشتر در شرایط فساد اداری و عدم سلامت نهادی رواج دارد.

۲۲- در این مورد، برای نشان دادن اهمیت راه اندازی و توسعه کسب و کار در تمامی حلقه های زنجیره کشاورزی و عدم تمرکز صرف بر حلقه تولید و در نتیجه، ارتقای ارزش افزایی در بخش کشاورزی از رهگذر پیوستگی طولی توسعه کسب و کارهای کشاورزی با کارآفرینی پیوسته و سریالی (serial entrepreneurship) در امتداد این زنجیره، می توان از اصطلاح «کارآفرینی پس از تولید» (post-production entrepreneurship) که به نوعی با «کارآفرینی پس از برداشت» (post-harvest entrepreneurship) متناظر است، استفاده کرد.

23. detailed business plan

24. enterprise positioning and feasibility assessment

۲۵- متناظر با طرح های هادی روستایی

26. geography of agricultural entrepreneurship

27. enterprise literacy

28. supportive agricultural entrepreneurship network

29. model enterprises

## منابع

- اسدی، علی؛ حسینی، محمود؛ عبدالله زاده، غلامحسین و قره قانی، اردوان (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل بازدارنده توسعه کشت های گلخانه ای (مطالعه موردی استان اصفهان)». تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. *مجله علوم کشاورزی ایران*. سال ۴۰، شماره ۱، صص ۹۵-۱۰۵.
- باتملی، ترور (۱۳۸۲)، *مؤسسات کشاورزی- محور برای توسعه کشاورزی: فعالیت تعاونی ها در امور اعتبار، عرضه و بازاریابی*. ترجمه علی کمالی، مهدی گنجیان و محمد اسماعیل نوشمند. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- شریف زاده، ابوالقاسم؛ محبوبی، محمدرضا و عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، «تبیین مؤلفه های توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان». *توسعه کارآفرینی*. سال ۱، شماره ۴، صص ۸۵-۱۱۲.
- شفیعی، لادن و پورجوپاری، زهرا (۱۳۸۵)، «بررسی بازاریابی محصولات گلخانه ای در استان کرمان». *مجله کشاورزی*. سال ۸، شماره ۲ (پاییز ۱۳۸۵)، صص ۲۳-۳۴.
- صیامی، سحر و پیکانی، غلامرضا (۱۳۸۷)، «تعیین الگوی بهینه کشت زراعت تلفیقی متعارف و گلخانه ای با استفاده از مدل برنامه ریزی خطی چندبخشی». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال ۱۶، شماره ۱۶ (بهار ۱۳۸۷)، صص ۷۹-۱۰۱.

فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی در علوم انسانی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

مرادنژادی، همایون؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ ایروانی، هوشنگ؛ حسینی، محمود و کافی، محسن (۱۳۸۶)، «تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران». *مجله علوم کشاورزی*. جلد ۳۸، شماره ۲، صص ۱۷۵-۱۸۴.

APO (2003), *Development of Agribusiness Enterprises: Report of the APO Seminar on Development of Agribusiness Enterprises*. Indonesia, 20-24 November 2000. Edited by Robert Oliver. Tokyo: Asian Productivity Organization.

Audretsch, D. B. and Keilbach, M. (2007), "The localisation of entrepreneurship capital: evidence from Germany". *Papers in Regional Science*. Vol. 86, No. 3, pp. 352-365.

Carson, D., Gilmore, A. and Rocks, S. (2004), "SME marketing networking: a strategic approach". *Strategic Change*. Vol. 13, No. 7, pp. 369-382.

Clark, J. (2009), "Entrepreneurship and diversification on English farms: identifying business enterprise characteristics and change processes". *Entrepreneurship and Regional Development: An International Journal*. Vol. 21, No. 2, pp. 213-236.

Cockshull K. E., Graves C. J. and Cave R. J. (1992), "The influence of shading on yield of glasshouse tomatoes". *Journal of Horticultural Science*. Vol. 67, No. 1, pp. 11-24.

Cuervo, A. (2005), "Individual and environmental determinants of entrepreneurship". *International Entrepreneurship and Management Journal*. Vol. 1, No. 3, pp. 293-311.

Damianos, D. and Skuras, D. (1996), "Farm business and the development of alternative farm enterprises: an empirical analysis in Greece". *Journal of Rural Studies*. Vol. 12, No. 3, pp. 273-283.

Ehret, D. L., Jolliffe, P. A. and Molnar, J. M. (1989), "Lighting for greenhouse vegetable production an overview". *Canadian Journal of Plant Science*. Vol. 69, No. 4, pp. 1309-1326.

- Epstein, D. and Tillack, P. (2002), "Classification of agricultural enterprises by their financial standing". *Applied Economics Letters*. Vol. 9, No. 6, pp. 397-406.
- Gaisford, J. D., Hobbs, J. E. and Kerr, W. A. (2001), "Making markets work: modeling agri-food systems in transition". *Canadian Journal of Agricultural Economics*. Vol. 49, No. 2, pp. 181-202.
- Gielen, P. M., Hovee, A. and Nieuwenhuis, L. F. M. (2003), "Learning entrepreneurs as experts". *The Journal of Agricultural Education and Extension*. Vol. 9, No. 3, pp. 103-116.
- Goggos, V. and King, R. E. (2000), "Qualitative-evolutionary design of greenhouse environment control agents". *Computers and Electronics in Agriculture*. Vol. 26, No. 3, pp. 271-282.
- Levander, L. M. (1999), "Green fingers, green eyes and itchy fee: challenges for extension?". *The Journal of Agricultural Education and Extension*. Vol. 6, No. 1, pp. 17-30.
- Livingstone, I. (2000), "Agriculture, small enterprise development and poverty eradication in Vietnam". *Journal of the Asia Pacific Economy*. Vol. 5, No. 3, pp. 173-189.
- Lyson, T. A., Gillespie, G. W. and Hilchey, D. (1995), "Farmers' markets and the local community: bringing the formal and informal economy". *American Journal of Alternative Agriculture*. Vol. 10, No. 3, pp. 108-113.
- McElwee, G. (2006), "Farmers as entrepreneurs: developing competitive skills". *Journal of Developmental Entrepreneurship*. Vol. 11, No. 3, pp. 187-206.
- McIntyre, R. J. (1988), "The small enterprise and agricultural initiatives in Bulgaria: institutional invention without reform. *Europe-Asia Studies*. Vol. 40, No. 4, pp. 602-615.
- Mohanty, S. K. (2006), *Fundamentals of Entrepreneurship*. New Delhi: Prentice Hall of India.

- Nainggolan, K. (2003), "Policies and programs for promoting the development of agribusiness enterprises". In: Oliver, R. (ed.), *Development of Agribusiness Enterprises, Report of the APO Seminar on Development of Agribusiness Enterprises* (Indonesia, 20-24 November 2000). Tokyo: Asian Productivity Organization.
- Pisani, M. J. and Patrick, J. M. (2002), "Radical political regimes in the Americas and MNC responses: a conceptual model". *Latin American Business Review*. Vol. 3, No. 2, pp. 17-42.
- Rouse, W. B. (2005), "A theory of enterprise transformation". *Systems Engineering*, Vol. 8, No. 4, pp. 279-295.
- Smith, K. G. and Cao, Q. (2007), "An entrepreneurial perspective on the firm-environment relationship". *Strategic Entrepreneurship Journal*. Vol. 1, No. 3-4, pp. 329-344.
- Strauss, A. (1987), *Qualitative Analysis for Social Scientists*. NY: Cambridge Univ. Press.
- van den Ban, A.W. (2002). "Increasing the ability of farmers to compete in the market". *The Journal of Agricultural Education and Extension*. Vol. 8, No. 2, pp. 101-106.
- Walsh, J. A. (1991), "A regional analysis of enterprise substitution in Irish agriculture in the context of a changing common agricultural policy". *Irish Geography*. Vol. 24, No. 1, pp. 10-23.
- Welsh, R. (2009), "Farm and market structure, industrial regulation and rural community welfare: conceptual and methodological issues". *Agriculture and Human Values*. Vol. 26, No. 1-2, pp. 21-28.
- Wurdemann, W. and van de Meerendonk, H. (1998), "Support to the development of food processing enterprise in Africa: an entrepreneur based approach". *Journal of Agriculture and Rural Development*. Vol. 5, No. 2 , pp. 32-35.